



## حافظ در شبه قاره\*

### اکبر ثبوت

#### مقدمه

نفوذ آثار و اندیشه‌های بزرگان ایران در شبه قاره، پیشینه‌ای طولانی دارد؛ و وسعت و عمق این نفوذ را با اندکی بررسی می‌توان دریافت. در میان این بزرگان که حتی ذکر نامشان صفحات بسیار می‌خواهد، خواجه عرفان یکی از چهار پنج چهره‌ای است که آفریده‌های فکری و هنری او بیشترین ارج و رواج را در منطقه داشته است. وصول آوازه حافظ به این خطه، از روزگار خود او آغاز شده است و در میان شواهد و قرائن متعددی که بر این مدعا گواهی می‌دهد:

- دعوت‌هایی که حکمرانان دورترین نقاط این مرز و بوم (دکن - بنگاله) از وی برای سفر به آن بلاد کردند - و نپذیرفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

\* طرح نخستین این گفتار، در سال ۱۳۶۳ ش/ ۱۹۸۴ م، بدون تصریح به نام نویسنده و اکتفا به عنوان مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، در آغاز یک چاپ از دیوان حافظ با ترجمه اردو به قلم قاضی سجاد حسین به چاپ رسید؛ و یک بار نیز به همان صورت در نشریه حافظ شناسی انتشار یافت. برخی از کتابگران، بخش‌های زیادی از آن را با همان عبارات و الفاظ و بدون ذکر از مأخذ، در آثار خود آوردند، و برخی آن را از قاضی سجاد حسین پنداشتند. برخی نیز که محبتی در حق نگارنده داشتند، نام و نشان نیم نهفته او را آشکار کردند (فهرست مشترک ۴۴۷/۷ م دانش، شماره ۲۶، ص ۴۳ و ۷۸) در مهرماه گذشته، به مناسبت سمینار یک روزه حافظ و به عنوان مقاله‌ای برای ارائه در سمینار نامبرده، همان طرح پس از اصلاحات و افزونی‌های بسیار، به صورتی که در این جا ملاحظه می‌فرمائید درآمد.

صمک‌کرد بزرگ‌ترین شخصیت عرفانی - فرهنگی هند در آن عصر - علی همدانی - که با مقام عظیم خود و با این که سالخورده‌تر از حافظ بوده، در همان زمان حیات وی شرحی بر یکی از غزلیاتش نگاشت و فرهنگی برای اصطلاحات صوفیانه دیوانش ترتیب داد و در شیراز به دیدارش شتافت<sup>۱</sup>.

تجلیل‌هایی که سید محمد اشرف - صوفی نامی شبه قاره در آن روزگار - از وی کرد و گزارش پرستایشی که از ملاقات خود با او به قلم آورد<sup>۲</sup>.

آری هر یک از موارد فوق، تأییدی است بر درستی دعوی خواجه که:

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

و:

به شعر حافظ شیراز می‌تصند و می‌نازند سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی روتق شعر لسان الغیب در شبه قاره، پس از درگذشت او صدها برابر افزایش یافت؛ و آنچه صحت این دعوی را مسلم می‌دارد:

\* وجود حافظان حافظ یا کسانی که تمام دیوان او را از برداشتند و از جمله آنان:

دیندرانات تاگور (۱۸۱۹-۱۹۰۵ م) از پیشوایان روحانی هندوان و پدر تاگور فیلسوف و شاعر بزرگ هند، که اگرچه مسلمان نبود، اما همواره صبح را با قرائت حافظ آغاز می‌کرد - در کنار او پائیشاد - و این غزل خواجه را بسیار می‌خواند:

هرگزم نقش تو از لوح دل و جان نرود هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود

و در واپسین روزهای زندگی، این بیت او را غالباً ورد زبان داشت:

عیان نشد که چرا آمدم کجا بودم دریغ و درد که غافل ز کار خویشتم<sup>۳</sup>

و در دم مرگ نیز این بیت او را زمزمه می‌کرد:

۱- بنگرید به بخش دیگر همین گفتار در شماره آینده قند پارسی.  
۲- بنگرید به لطائف اشرفی.  
۳- ام سلمی.



کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز باشد که باز بینیم دیدار آشنا را<sup>۱</sup>  
\* تدریس دیوان حافظ؛ و در این باره، به سه گزارش زیر بسنده می‌کنیم:

- اکبر شاه یکی از دو امپراطور بسیار بزرگ هند در طول تاریخ، بخشهایی از دیوان حافظ را در نزد میر عبداللطیف فزونی (م: ۹۸۱) که از سادات حسنی سیفی بود خواند<sup>۲</sup>.  
\* در سرگذشت شیخ عبدالحق محدث دهلوی از بزرگ‌ترین علمای هند می‌خوانیم که وی در نزد پدرش شیخ سیف‌الدین، چند جزو از بوستان و گلستان و دیوان حافظ را آموخت<sup>۳</sup>.

- عبدالله خویشکی قصوری چشتی از علمای بزرگ هند، شرحی بر دیوان حافظ نوشته (که ذکر آن بیاید) و در آن یادآور شده است که خود کثیری از اوقات، به تدریس دیوان حافظ می‌پرداخته است.

\* «تواجد» کردن با سروده‌های حافظ در مجالس سماع و حتی در محفل‌های سراسر روحانیت که برای پارسایان و پیشروان عرفان و معنویت برپای می‌شد؛ و در این مورد، به نقل گزارشی که در زندگینامه شاه ولی الله دهلوی - بزرگ‌ترین عالم هند در طول تاریخ اسلامی - آمده، اکتفا می‌کنیم: ماه رمضان بود و شاه در اعتکاف. شب بیست و نهم، نادر کیفیتی داشت که جز شوق و وجد و انجذاب، چیزی دیگر را گنجایش نبود. بعضی نغمه‌های طیبه که در جوار آن مکان اتفاق افتاده بود نیز مهیج آن کیفیت شده بودند. بالجمله تمام شب به همین رنگ گذشت. در ثلث اخیر، وقت حضرت ایشان به غایت خوش بود؛ از شوق و ذوق سر تا پا امتلائی عظیم داشت؛ و مستی و جوش از هر بن موی مبارک می‌تراوید؛ و اثری عجیب در شرف اندوزان حضور در گرفته بود؛ در آن وقت نغمه سرا بیت حافظ شیرازی که:

۱- عبدالسبحان.  
۲- ۱۳۲.  
۳- اخبارالآخیر، ص ۳۱۷.

تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود سر ما خاک ره پیر مغان خواهد بود  
آغازید، از آن آواز پرسوز و گداز، دل و جگر هر یک می پاشید... و هر کدام به نهجی  
جدا در سر خود مستی می داشت... بالجمله بیت:

از آن افیون که ساقی در می افکند حریفان را نه سر ماند و نه دستار

انس شاه ولی الله با حافظ، از دوران کودکی او آغاز شد؛ از همان هنگام که همواره این  
بیت خواجه را به عنوان درسی گرانها از زبان پدرش شاه عبدالرحیم - که نیز از  
علمای بزرگ هند بود - می شنید:

آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروّت با دشمنان مدارا

\* فال گرفتن با دیوان حافظ - حتی برای تصمیم گیری در موارد مهم؛ و ابداع طریقه های  
مختلف بدین منظور؛ که در این مورد کافیست یک نگاه به نسخه ای از دیوان - معروف  
به حافظ مغولیه - بیاندازیم. این نسخه خطی را گویا همایون پادشاه، با خود از ایران  
آورده بود؛ و پادشاهان گورکانی هند - بویژه همایون و جهانگیر - با آن فال می گرفته اند  
و گاهی پس از فال گرفتن، مطالبی در حاشیه صفحات یادداشت می کرده اند؛ چنانکه  
در حاشیه این بیت:

نظر بر قرعه توفیق و یمن دولت شاهست بده کام دل حافظ که فال بختیاران زد

یادداشتی با این مضمون از همایون دیده می شود: هو. از فال مصحف که ربک  
برآمد؛ از دیوان حافظ این شاه بیت آمد؛ و چندین بار ابیات مناسب آمده که اگر شرح  
آنها شود کتابی شود. ان شاء الله تعالی چون فتح ولایات شرقی و مبارزان آن دیار به امر  
کردگار شود، نذر خوبی به خواجه لسان الغیب فرستاده شود. و جمع آن تفألّات نیز  
رقم کرده شود. بمنه و توفیقه. شب دوشنبه هجدهم ذیحجه ۹۶۲ در شهر دینپناه  
تحریر یافت.

از حاشیه صفحه ای دیگر به قلم جهانگیر (و نیز از نوشته نواده اش داراشکوه)  
بر می آید که وی در ایام شاهزادگی - به سبب آزدگی - از والد خود جدا شده در اله آباد  
می بودند؛ و تردد داشتند در این که به ملازمت پدر عالیقدر بروند یا نه؛ دیوان حافظ را  
طلب نموده فال گشادند. این غزل برآمد:

چرا نه در پی عزم دیار خود باشم چرا نه خاک ره کوی یار خود باشم

غم غریبی و غربت چو بر نمی تابم به شهر خود روم و شهر یار خود باشم

زمحرمان سراپرده وصال شوم زبندگان خداوندگار خود باشم

چو کار عمر نه پیدا است باری آن اولی که روز واقعه پیش نگار خود باشم

بود که لطف ازل رهنمون شود حافظ وگرنه تا به ابد شرمسار خود باشم

و به موجب این فال، بی تأمل و اهمال، به سرعت روانه شده به ملازمت ایشان (پدرش  
اکبر) مشرف گشتند؛ و قضا را بعد از شش ماه، اکبر پادشاه فوت کردند؛ و ایشان پادشاه  
شدند؛ و به نوشته خود جهانگیر: هم سعادت خدمت و رضاجویی (از پدر) و  
حاضر بودن در واقعه ناگزیر (مرگ او) دست داد و هم دولت موروث روزی گشت - که  
بهینه مضمون آن غزل بود.

در یک فیلم هندی به نام «مغل اعظم» نیز رواج تفأل به دیوان حافظ در دربار مغولان  
هند انعکاس یافته است. این فیلم گزارش ماجرای عشق جهانگیر شاه به انار کلی است.  
جهانگیر شاه از عشق انار کلی دیوانه می شود و چون این خبر به انار کلی می رسد حیران  
می ماند و گرمی آتش عشق جهانگیر شاه را در دل خود احساس می کند و برای پرسش از  
احوال جهانگیر شاه، از دیوان حافظ فال می گیرد و این بیت می آید:

دل می رود ز دستم صاحب دلان خدارا دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

۱- دیوان حافظ، چاپ است از روی نسخه حافظ مغولیه.

۲- بررسی وزن رباعیات حافظ - مقاله دکتر عراقی رضا زیدی.

این هم نمونه‌ای از تفأل به دیوان حافظ در اعصار جدید:

تاگور (۱۸۶۱-۱۹۴۱ م) فیلسوف و شاعر بزرگ بنگالی هندی که بر آیین هندوان بود، و قبلاً از پدر او یاد کردیم، در سال ۱۳۱۱ ش بادینشاه ایرانی سلیسیتور رئیس انجمن زرتشتیان بمبئی و مترجم سروده‌های حافظ به انگلیسی به ایران آمد. عشق و علاقه فوق العاده‌ای که او به ایران و ایرانی ابراز می‌داشت، فوق العاده و مایه تعجب قرار گرفته بود، و وقتی با آن قامت رشید و موقر، در حالی که گیسوان سپید نقره‌ای رنگش بردوش لباده بلند او فروریخته و در زیر کلاه مخمل مشکی او پیشانی بازش از عوالم روحانی حکایت می‌کرد، بر سر تربت حافظ در شیراز ایستاده و چشمان آرام و نافذ او بر این بیت حافظ که روی سنگ مزار نقر شده بود با دقت می‌نگریست:

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه که زیارتگه رندان جهان خواهد بود  
 عده‌ای که حاضر بودند، بدون آن که علت تأثر خود را بدانند، بی‌اختیار به گریه افتادند.  
 وقتی دیوان حافظ را آوردند تا تاگور تفأل بزند تصادفاً غزلی آمد که این بیت جزو آن بود:

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به ینگاله می‌رود  
 تاگور از شنیدن این بیت با شگفت تمام چند ثانیه سکوت کرد و سپس گفت  
 "بگذارید ببینم خواجه در باب آینده هند چه می‌گوید؟" در آن هنگام وضع هند در منتهای بحران و وخامت سیاسی بود و به همین جهت شاعر بنگالی نگران وضع سیاسی وطن خود بود و از خواجه شیراز استمداد می‌جست. وقتی استاندار وقت فارس دیوان حافظ را برای تفأل باز کرد این غزل آمد:

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور  
 ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور  
 دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نگشت دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور...

این تصادف عجیب، تأثیر زیادی در تاگور داشت؛ و وقتی غزل را برای او ترجمه کردند، تبسمی بر لبانش نقش بست و یکی دو دقیقه در حالی که بر مزار حافظ نظر دوخته بود به تفکر و سکوت گذرانید...<sup>۱</sup>

\* کثرت نسخه‌های خطی مربوط به حافظ (اصل دیوان او و منتخبات و شروح و فرهنگنامه‌ها و ترجمه‌های آن) که هنوز در منطقه موجود است و مثلاً ۴۱ نسخه فقط در کتابخانه سالار جنگ در حیدرآباد دکن؛ و ۳۴ نسخه در کتابخانه رضا رامپور؛ و بیش از صد نسخه در کتابخانه گنج بخش در اسلام‌آباد؛ و قریب چهار صد نسخه که در شماری از کتابخانه‌های پاکستان موجود و در فهرست مشترک شناسانده شده است.<sup>۲</sup> و اگر کار بررسی با دقت بیشتری ادامه یابد و شمار نسخه‌های موجود در دیگر نقاط شبه قاره (هندوستان، بنگلادش و...) نیز به رقم مزبور اضافه شود، عددی که به دست می‌آید، چندین برابر این خواهد بود؛ و اگر هم آنچه را از بین رفته یا به خارج پرکشیده به آن ضمیمه کنیم، رقمی حیرت آور خواهیم داشت. افزون بر این که:

الف- پاره‌ای از قدیم‌ترین نسخه‌هایی که در اعصار نزدیک به روزگار حافظ کتابت شده، و به لحاظ قدمت و صحت و اعتبار، ارزش فراوان دارد، در میان این نسخه‌هاست.  
 ب- بسیاری از نسخه‌های مزبور از حیث زیبایی خط و تذهیب و تجلید و تصاویری که دارد، از شاهکارهای هنری است و از آن میان: نسخه‌ای با یازده تصویر بسیار زیبا که نگارگران دربار امپراطور اکبر شاه -کنها، سانولا، فرخ چیلا، منوهر، نرسنگ، چترا- کشیده‌اند<sup>۳</sup> و از نامهاشان برمی‌آید که غالباً هندو بوده‌اند.

۱- م. هند نو. شماره مخصوص تاگور.

۲- در این مورد در مجلد سوم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، ص ۳۷-۱۴۲۶، و مجلد سوم فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان (ص ۱۶۱۰-۱۵۹۶) و در مجلد هفتم آن (ص ۷۴-۲۴۶) توضیحات کافی می‌توان یافت.

۳- فهرست، ص ۱۴۵.

ج - بر صفحات بسیاری از نسخه‌ها، یادداشتهای درخور توجهی از شهریاران و رجال بزرگ ایران و هند را می‌توان یافت؛ یا مواد نسخه، گرد آورده ایشان یا اصل آن به خط ایشان است؛ و از میان این نسخه‌ها:

- نسخه‌ای از یک بیاض مصور، مشتمل بر چند غزل حافظ با خط ممتاز میر علی، که به موجب یادداشتی که در آن دیده می‌شود، برای شاه طهماسب کتابت شده؛ و شاه آن را به حمیده بیگم همسر همایون و مادر اکبر (دو پادشاه بزرگ هند) اهدا نموده است.<sup>۱</sup>

- نسخه‌ای مصور، با اوراق زرافشان و سرلوح طلایی و عناوین و جداول مطلقاً، با یادداشتی از جهانگیر.

- نسخه‌ای با یادداشتهای شاهان تیموری، از سلطان حسین بایقرا، همایون، و جهانگیر، و با فالهایی که از دیوان حافظ گرفته‌اند.

- نسخه‌ای در کتابخانه آصفیه حیدرآباد به خط داراشکوه شاهزاده فرهیخته و روشن اندیش تیموری - هندی و صاحب آثار فراوان به نظم و نثر فارسی.<sup>۲</sup>

- نسخه‌ای به خط نستعلیق بیرم خان خانانان (م: ۹۶۸) از بزرگترین رجال و سرداران هند در عصر طلایی گورکانیان که به یمن سعی و شجاعت و حسن تدبیر او، هندوستان برای بار دوم در تحت تصرف گورکانیان درآمد و همایون شاه سریر سلطنت را باز یافت. وی مردی دانشمند و درویش نهاد و ادیب بود و بسیاری از فضلا در سایه عنایت او به آسودگی می‌زیستند؛ و از میان آثار او دیوان شعر فارسی به چاپ رسیده است.<sup>۳</sup>

- نسخه فالنامه حافظ از جهانگیر شاه تیموری که در کتابخانه دانشگاه اسلامی علی‌گروه موجود است.<sup>۴</sup>

۱- فهرست، ص ۱۶۷.

۲- مشترک، ج ۷، ص ۴۵۰؛ علمای هند، ص ۱۸۳.

۳- فهرستواره - در مورد فالهای جهانگیر از دیوان حافظ نیز برگردید به ص ۵۱.

\* چاپ‌های گوناگون و در تیراژهای وسیع از کلیات دیوان حافظ و منتخب آن در شبه قاره. در این مورد شایان توجه است که ما تاکنون بیش از صد و سی چاپ از اصل دیوان و منتخب آن را شناخته‌ایم که (با: شرح، ترجمه، حاشیه، فرهنگنامه یا بدون هیچ یک از اینها) در شبه قاره انتشار یافته است و با یک نگاه به فهرست آنها - که در این مقال آمده و صد البته کسریهای آن کم نیست - می‌توان دریافت که:

الف - دیوان حافظ بیش از نیم قرن قبل از سال ۱۲۵۷ هـ که برای نخستین بار در وطن وی (ایران) به چاپ رسید، حداقل دوبار در شبه قاره طبع و منتشر شده بود و پس از آن نیز دست کم ده بار پیش از سال مزبور در این سرزمین انتشار یافت - یک بار در حدود سی سال پیش از آن، دوبار در حدود بیست سال و...

ب - پس از آغاز به چاپ و انتشار دیوان حافظ در ایران، این کار تنها در چهار پنج شهر (تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز) انجام می‌گرفت در حالی که هر یک از شهرهای بزرگ شبه قاره را بنگریم (آگره، احمدآباد، اسلام‌آباد، اله‌آباد، امرتسر، بدایون، بمبئی، پتنه، پیشاور، حیدرآباد دکن، حیدرآباد سند، دهلی، راولپندی، سورت، سیالکوت، کامپ بونه، کانپور، کراچی، کلکته، گوجرانوالا، لاهور، لدھیانہ، لکهنو، مرادآباد، میرت و...) از مراکز طبع و نشر دیوان خواجه بوده و کمتر مؤسسه مطبوعاتی دولتی یا خصوصی این مرز و بوم را - مربوط به هر کدام از اقوام و مذاهب که باشد - توان یافت که در آن سالها اقدام به طبع و نشر دیوان حافظ یا طبع و نشر ترجمه و شرح آن (یا هر دو) نکرده باشد. چنانکه مؤسسه مطبوعاتی منشی نولکشور، متعلق به یک هندی دوستدار فرهنگ اسلامی ایرانی، تنها در فاصله سال ۱۲۷۹ تا ۱۳۳۵ هـ، دست کم بیست بار دیوان حافظ و شروح و ترجمه‌ها و حواشی آن را در شعبه‌های مختلف خود - در کانپور و لاهور و بیش از همه در لکهنو - منتشر کرده؛ همچنین یک منتخب از دیوان حافظ با ترجمه پنجابی از غلام حیدر را می‌شناسیم که در فاصله سالهای ۱۸۹۰ تا ۱۹۲۱ م هشت بار چاپ و منتشر شده است.

ج - در شرایطی که امکانات برای چاپ و نشر کتاب بسیار محدود بوده و افراد باسواد و کتابخوان کم بوده‌اند و هر کتاب حداکثر در هزار تا هزار و پانصد نسخه چاپ می‌شده، در مقدمه اردوی یک چاپ از دیوان خواجه که در سال ۱۳۲۰ هـ در هند انجام گرفته می‌خوانیم: تاکنون بیش از صد هزار نسخه از دیوان حافظ در هند چاپ شده است. د - به لحاظ نفاست و زیبایی، شجاری از چاپهای حافظ در هند - از نظر خط و تذهیب و چگونگی تصاویر و... - به گونه‌ای بوده است که تا دهها سال بعد، هیچ یک از چاپهای حافظ در ایران به پای آنها نرسیده است. برای نمونه: چاپی که در سال ۱۳۲۹ هـ/ ۱۹۱۱ م در مطبع کریمی در بمبئی انجام گرفته و دارای سرلوح‌ها و تذهیبهای بسیار عالی و صفحات منقش و جدولبندی زرین و سنگرف است!

\* ترجمه‌های زیادی که از تمام یا بخشی از دیوان به زبانهای محلی کرده و منتشر ساخته‌اند؛ و شروح و حواشی متعددی که بر سروده‌های خواجه نگاشته‌اند، و فرهنگ‌نامه‌هایی که برای آن ترتیب داده‌اند؛ و کتابهای مستقلی که در شرح زندگی و احوال و آثار خواجه در شبه قاره تألیف شده است؛ و تأثیرات ژرف و همه‌سویه او بر اندیشمندان و شاعران و دیگر بزرگان منطقه؛ و... که در این موارد نیز شایان ذکر است که ما تاکنون با یک بررسی اجمالی که داشته‌ایم، بیش از دوست اثر را به زبانهای فارسی، اردو، پنجابی، آسامی، سندی، هندی، پشتو، بلوچی، گجراتی، بنگالی و انگلیسی شناسایی کرده‌ایم که در شبه قاره به دست صاحب قلمانی از وابستگان ملتتها، نژادها و اقوام مختلف و پیروان مکتبها و ادیان و مذہبهای گوناگون پدید آمده و تمام آنها در زمینه حافظ‌شناسی است (اعم از شروح، حواشی، ترجمه‌ها، فرهنگ‌نامه‌های دیوان وی یا آنچه در شرح زندگی و نقد اشعار او نگارش یافته) که اگر سایر آثار مربوط به این موضوع که ما نشناخته‌ایم، به این رقم افزوده گردد، و آن

چشم هم آثار مستقل نیست و بحثها و مقالاتی در ضمن کتابها یا نشریات متفرقه است به حساب آید، اهمیت قضیه روشن‌تر خواهد شد. چنانکه با نگاهی به آثار اکثر ادیبان و متفکران منطقه، تأثیر ژرف و همه‌سویه خواجه بر آنان را می‌توان مشاهده کرد و... بنابر آنچه گفتیم، شگفت نیست که ملاحظه می‌شود پس از آن همه ضربه‌های بسیار مهلک به فرهنگ قدیم منطقه فرهنگ فارسی - هر چند پیوند حافظ با صاحب‌دلان این سامان، از راه زبان اصلی وی و با همان کیفیت گذشته بر جای نماند، اما ترجمه‌های متعدد دیوان او به زبانهای محلی، از گسیختن پیوند معنوی وی و همزبانانش با هم‌دلان اردو زبان و هندی زبان و پنجابی زبان و بنگالی زبان و سندی زبان و آسامی زبان و... مانع گردید. ترجمه‌های مزبور که در همین گفتار اشارتی به آنها خواهد رفت و هر یک در خور ارزیابی جداگانه است، قدیم‌ترین آنها با آغاز انحطاط فارسی در منطقه و نثرین آنها در سالهای اخیر انجام گرفته است. و با توجه به این که غالب مترجمان، از مهم‌ترین شخصیت‌های فرهنگی و ادبی منطقه بوده‌اند، می‌توان گفت که ترجمه‌های مزبور نه تنها به لحاظ انتقال فرهنگ فارسی و ایرانی «درخور اهمیت‌اند، بلکه از گنجینه‌های ارزنده زبانهای شبه قاره و فرهنگ منطقه نیز بشمارند. باری بررسی هر یک از موارد مذکور، نیازمند گزارشی تفصیلی است که اکنون نداریم و ناگزیر به گفتار مختصری در دو بخش بسنده می‌نمائیم که مشتمل است بر:

= فهرست چاپهای دیوان حافظ و منتخبات اشعار او در شبه قاره.

- فهرست ترجمه‌ها و شروح و حواشی و فرهنگ‌نامه‌های دیوان حافظ که در شبه قاره فراهم آمده و کتابهایی که در شرح احوال و آثار او نگارش یافته است.

در بخش دوم اشارتی به برخی از ادیبان و اندیشمندان شبه قاره نیز که از حافظ تأثیر پذیرفته‌اند خواهیم داشت، و البته در این مورد به ذکر جوش ملیح آبادی و محمد اقبال لاهوری و ولا ناطلی اکتفا می‌کنیم؛ و از صد‌ها تن دیگر - مانند میرزا اسدالله خان غالب - نامی نمی‌بریم؛ زیرا دامنه این بحث وسیع‌تر از آن است که در این اوراق تواند گنجید.

بخش اول

چاپهای دیوان حافظ و منتخبات آن در شبه قاره

الف - چاپهایی که تاریخ هجری قمری دارد:

- \* ۱۲۰۰-۱۲۰۶: کلکته، سنگی، به دستور مستر جانس انگلیسی، به تصحیح میرزا ابوطالب تبریزی از روی دوازده نسخه خطی، در ۱۲۰۰ نسخه. (مشار)
- \* ۱۲۲۸: بمبئی. (حیات حافظ)
- \* ۱۲۴۱/۱۸۲۶ م: کلکته، چاپخانه سنگی آسیا، ۳۱۰ ص. (هند)
- \* ۱۲۴۳/۱۸۲۷ م: کلکته، نام چاپخانه یاد نشده، متن دیوان و مقدمه محمد گلندام، به تصحیح بدر علی عظیم آبادی، ۳۲۰ ص. (هند)
- \* ۱۲۴۴/۱۸۲۸ م: بمبئی، انتشارات گ. ر. جرویس و دیگران، ۶۴۸ ص. (هند)
- \* ۱۲۴۷: بمبئی، چاپ حکیم پسر وصال. (بریلوی)
- \* ۱۲۴۸: بمبئی، چاپ اولیا سمیع. (بریلوی)
- \* ۱۲۵۴: دهلی، در ضمن بدرالشروح - شرح دیوان - از بدرالدین اکبرآبادی که ذکر او در بخش دوم بیاید. (کت)
- \* ۱۲۶۷: بمبئی، به خواست محمد باقر صاحب تاجر شیرازی و به سعی و اهتمام محمد حسین لاری و خط نستعلیق محمود حکیم بن وصال شیرازی، ۲۴ + ۴۳۹ ص، وزیری، سنگی. (کت)
- \* ۱۲۶۸: بمبئی، سنگی، رقعی، چاپ و خط اولیا سمیع، بی صفحه شمار. (مشار)
- \* ۱۲۶۹: دهلی. (حیات حافظ)
- \* ۱۲۷۶: بمبئی، میرزا ابوطالب شیرازی، به خط محمد ابراهیم بن محمد علی مشهور به میرزا جان شیرازی، سنگی، بی صفحه شمار. (کت)
- \* ۱۲۷۷: بمبئی، سنگی، وزیری، ۳۴۴ ص. (مشار)

- \* ۱۲۷۷: بمبئی، به خط عباس علی شیرازی، مطبع محمدی، آقا میرزا محمد باقر شیرازی، با دیباچه وارث علی مشتهر به عبدالله فتح علی در دو فصل و یک خانمه، محشئی، ۳۴۵ ص. (گنج)
- شاید همان چاپ قبلی باشد.
- \* ۱۲۷۸: بمبئی، سنگی، ۳۹۰ ص. (کت)
- \* ۱۲۷۸: بمبئی، حیدر علی، در کارخانه دادومیان دهایی، به خط نستعلیق سید محمد باقر شهیر به میرزا آقا خلف میرزا موسی انجوی شیرازی، ۴۱۰ ص، سنگی. (کت)
- \* ۱۲۷۹/۱۸۶۲ م: (لکهنو؟) نولکشور، ۲۱۴ ص، قطع رحلی، با تقریظ مولوی محمد هادی علی اشک و با چند ماده تاریخ برای چاپ دیوان از میرزا علی اصغر خان نسیم، شیخ امیرالله تسلیم، میدولال زار، گویند پرشاد فضا. (گنج چه، رامپور)
- \* ۱۲۸۲: لکهنو، سنگی، وزیری، ۴۰۴ ص. (مشار)
- \* ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۵/۱۸۶۶ تا ۱۸۶۹ م: کانپور، چاپخانه نولکشور، محشئی، ۴۰۴ ص. (هند، گنج)
- \* ۱۲۸۶/۱۸۶۹ م: دهلی، چاپخانه محمدی، با مقدمه گل اندام، سنگی، ۲۹۶ ص. (هند)
- \* ۱۲۸۷/۱۸۷۰ م: بمبئی، چاپ حیدری، با مقدمه گل اندام و تصحیحات جلال الدین و علاءالدین، ۲۸ + ۳۳۲ ص. (هند)
- \* ۱۲۸۹: حیدرآباد دکن، ۳۹۲ ص. (کت)
- \* ۱۲۸۹/۱۸۷۲ م: لکهنو، مطبع منشی نولکشور، به خط نستعلیق خوش، سنگی، وزیری، ۴۰۴ ص، حسب الحکم جناب وآر کالن بروفنگ صاحب بهادر ایم ای دائرکتر آف پبلک انترکشن ملک اوده، - مام صفحات محشئی و مشتمل بر توضیحات فراوان در پیرامون لغات و اصطلاحات و ابیات - با امضای موجد، با تقریظی در پایان به قلم محمد هادی علی اشک. (دهلی)

\* ۱۲۹۲ و ۱۸۷۶/۱۲۹۳ م: لکهنو، نولکشور، سنگی، وزیر، منتخب غزلیات با تفسیر آنها، انتخاب و شرح از محمد صادق علی حنفی لکهنوی، ۳۴۸ ص. (هند، مشار، ف - ق)

- در بخش دوم بیاید که این شرح، در هر دو سال ۱۲۹۲ و ۱۲۹۳ (دوبار) منتشر شده و انتساب آن به محمد صادق علی نیز نادرست است.

\* ۱۸۷۷/۱۲۹۴ م: بمبئی، مطبع حیدری، به اهتمام قاضی ابراهیم و ملا نورالدین بن جیوا خان، سنگی، وزیر، ۴۱۲ ص. (کت)

\* ۱۲۹۸: بمبئی، با عنوان دیوان شمس العرفا خواجه شمس الدین محمد شیرازی، ۴۱۱ ص، سنگی. (کت)

\* ۱۸۸۳/۱۳۰۰ م: لکهنو، نولکشور، ۴۰۴ ص. (گنج چ)

\* ۱۸۸۵/۱۳۰۱ م: لکهنو، در مطبع فیض منیع منشی نولکشور طبع تازه تازگی بخش جهان شد (در مطبع مطلع نور منشی نولکشور به جلای طبع تازه نور علی نور گردید)، به خط محمد شمس الدین اعجاز رقم، ۴۵۴ ص، با قطعه‌ای بلند مشتمل بر ابیات عربی و فارسی با ردیف حافظ در ستایش حافظ و منشی نولکشور و در پایان آن ماده تاریخ طبع، با تقریظی از مولانا محمد هادی علی اشک. در بخش دوم این مقال، ابیاتی از قطعه شعر یادشده و پاره‌ای از تقریظ مزبور خواهد آمد (یکی در ذیل عنوان عبدالعلی مدراسی و دومی ذیل عنوان محمد هادی علی اشک).

- این چاپ از دیوان، بعدها نیز بارها به وسیله همین ناشر عکس برداری و تکثیر و منتشر شده است - از جمله در سال ۱۹۰۱ م که نسخه‌ای از آن در گنج بخش موجود و در صفحه آخر آن آمده: کلیات خواجه مرة بعد اولی و کرة بعد اخری همدین مطبع به قالب طبع درآمد.

\* ۱۸۸۵/۱۳۰۱ م: (دهلی؟)، مطبع رضوی میر حسن، ۳۲۴ ص، محسّی. (رامپور)

\* ۱۳۰۲: بمبئی، صفدری. (ف - ج - ب)

\* ۱۳۰۸: بمبئی، به خط مشکین قلم. (بریلوی)

\* ۱۳۰۸: بمبئی، بی نام ناشر، ۴۳۸ ص. (کت)

\* ۱۳۰۸: بمبئی، ناصر، (ف - ج - ب).

- همان چاپ قبلی نیست؟

\* ۱۳۰۸: لاهور، سنگی، وزیر، ۳۹۵ ص. (مشار)

\* ۱۳۰۸: لاهور، سنگی، وزیر، خلاصه دیوان، ۹۲ ص. (مشار)

\* ۱۳۰۸: لاهور، سنگی، وزیر، خلاصه دیوان، ۸۰ ص. (مشار)

\* ۱۸۹۱/۱۳۰۸ م: لکهنو، مطبع نامی، به اهتمام قطب الدین احمد، ۳۷۶ ص، محسّی،

چاپ اول، پس از دیوان فرهنگ دیوان حافظ آمده است. (رامپور)

\* ۱۳۰۹: بمبئی، محمد علی بن فیاض شیرازی، به خط میرزا مهدی شیرازی،

۳۰۵ ص، ۲۴/۵ سم، سنگی. (کت)

\* ۱۸۹۴/۱۳۱۱ م: لکهنو، مطبع نامی، چاپ دوم، به اهتمام قطب الدین احمد،

۳۷۶ ص، ۱۷×۲۸ سم. (گنج چ)

\* ۱۳۱۲: بمبئی، سنگی، رقمی، خط محمود حکیم فرزند وصال، ۴۴۰ ص. (مشار)

\* ۱۳۱۲: کراچی، مطبع فیض محمدی، در ضمن شرح دیوان (مفتاح الکتوز علی حافظ

الرموز) تألیف قطب الدین قندهاری که ذکر او در بخش دوم بیاید، به خط محمد زمان

ولد سردار غلام محمد خان متخلص به طرزی و غلام قاسم مفتی ملک پنجاب، دو

جلد، ۱۸۸+۱۹۲ ص، ۱۸×۲۷ سم. (گنج)

\* ۱۳۱۴: بمبئی، سنگی، رقمی، چاپ سید محمد قدسی، محسّی، ۴۹۶ ص. (مشار)

- گمان می رود کتابت دیوان حافظ به قلم قدسی در سال ۱۳۱۴ آغاز شده؛ و این کار

هشت سال طول کشیده تا سرانجام در سال ۱۳۲۲، کتاب از چاپ درآمد است.

(بگردید به یادداشت‌های مصحح در آغاز و انجام نسخه)





\* ۱۳۱۴: گوجرانوالا، مطبع میکی، منتخب دیوان حافظ، با ترجمه منظوم اردو از غلام حیدر به نام تحفة دلکش. (اختر)

- شاید همان چاپ ۱۸۹۶ م باشد که ذکرش بیاید.

\* ۱۸۹۹/۱۳۱۷ م: لکهنو، مطبع نامی، به اهتمام قطب‌الدین احمد، همراه با فرهنگ دیوان حافظ از خواجه محمد اشرف علی، ۳۲ + ۳۷۶ ص، ۲۷ سم. سنگی.

- در پیوسته‌های دیوان حافظ که در سال ۱۳۲۲ در همین مطبعه به چاپ رسیده (ص ۴۷۷) می‌خوانیم: دیوان حافظ پیش از این هم در مطبع نامی به کرات مطبوع گردیده و آخرین مرتبه در سنه ۱۳۱۷. سپس بیش هر (از؟) دو سال می‌گذرد که هر گاه مطبع، بار چهارم به طبعش پرداخت. (دیوان چاپ ۱۳۲۲، کت)

\* ۱۹۰۰/۱۳۱۸ م: لکهنو، مطبع نولکشور، در ضمن چهارمین چاپ از شرح منسوب به سید محمد صادق علی لکهنوی که ذکر او در بخش دوم بیاید، ۳۵۰ ص. (دهلی)

\* ۱۹۰۲/۱۳۲۰ م: کانپور، مطبع نامی، با اهتمام محمد رحمت‌الله رعد و مقدمه‌ای در شرح احوال و اشعار حافظ، ۱۲+۸+۴۵۳ ص، به قطع ۲۴/۵×۱۵/۵ سم، به خط نستعلیق زیبا.

- در مقدمه اردوی این چاپ آمده: "دیوان حافظ بارها و بارها در شهرهای هند مانند دهلی، کلکنه، لکهنو، بمبئی و غیره چاپ شده و تعداد نسخه‌های چاپ شده آن در هند از مرز ۱۰۰۰۰۰ فراتر می‌رود." در آخر نسخه نیز می‌خوانیم: ان شاء الله بعد اشاعت این دیوان، شرحی بسیط (گسترده و مبسوط) حاوی رموزات و اصطلاحات چاپ می‌شود. (گنج)

\* ۱۳۲۱: بمبئی، به خط میرزا مهدی شیرازی. (بریلوی)

\* ۱۹۰۴/۱۳۲۱ م: دهلی، مطبع مجتبائی، در ضمن شرح دیوان (بدرالشریح) از مولانا بدرالدین اکبرآبادی، چاپ از روی نسخه مکتوبه محمد مصلح‌الدین مورخه ۱۲۵۴ و



محفوظ در کتابخانه مولوی ظفرالدین اکبرآبادی - کتاب نسخه و صاحب کتابخانه هر دو از اولاد شارح می‌باشند، ۷۵۴ ص. (گنج، رامپور، گنج چ)

\* ۱۳۲۲: بمبئی، چاپخانه سپهر (یا چاپخانه نادری یا چاپخانه ناصری؟)، به خط و اهتمام سید محمد قدسی حسینی. (بریلوی، فزینی، گوهرین، گنج چ)

\* ۱۳۲۲: بمبئی، مطبع کریمی. (بریلوی)

\* ۱۳۲۲: بمبئی، مطبعه خورشید، ۴۹۶ ص. (مشار)

\* ۱۳۲۲: حیدرآباد دکن، دارالطبع سرکار عالی. (کت)

\* ۱۹۰۴/۱۳۲۲ م: دهلی، مطبع نظامی با حواشی از ملا محمد خطاب معروف به گاره که به ایما میر محمد کتب فروش پشاور نوشته بود، ۵۵۸ ص. (گنج چ)

\* ۱۹۰۴/۱۳۲۲ م: لکهنو، مطبع نامی، چاپ سنگی، ۴۸۰ + ۴۰ ص، با رساله‌ای در اصطلاحات صوفیه به ترتیب الفبا از ابوالبرکات حافظ خواجه شمس‌الدین احمد که

به درخواست ابوالحسنات حافظ خواجه قطب‌الدین احمد صاحب مالک مطبعه نامی و با استفاده از کتابهای عرفا تألیف شده است، با حواشی بسیار در توضیح لغات و اصطلاحات و ابیات خواجه از: مولوی فتح علی، حسین‌الدین احمد، مولانا محمد هادی علی مرحوم و منابع متعدد دیگر - تنظیم از سید جلال اندرابی - با چهار قطعه شعر فارسی و در آخر هر کدام ماده تاریخ طبع کتاب - به سال هجری یا میلادی یا هر دو - یکی اثر طبع خواجه عبدالرؤف صاحب عشرت لکهنوی و مشتمل بر این دو ماده تاریخ (۱۳۲۲):

- کلام بلبل شیراز واقف اسرار.

- کلام خواجه حافظ پسند طبع بود.

و دیگری اثر طبع عزیزالدین که مصرع آخر آن:

مژده ای هند شد این جا می شیراز ارزان (۱۳۲۲).

- این چاپ از دیوان، ظاهراً چهارمین چاپ آن در این مطبعه است و بیش از دو سال به طول انجامیده؛ و در یادداشتی از سید جلال اندرابی در پیوسته‌های کتاب - با عنوان عرض حال - دشواریهایی که در کار تدوین این نسخه از دیوان بوده یادآوری شده؛ وی این قاعده را ملحوظ داشته که اشعاری را که حداقل در چهار نسخه از منابع خود نیافته، در متن دیوان داخل نکرده، بلکه در بخشی جداگانه آورده؛ و هر جا نیز در صحت انتساب شعری به حافظ تردید داشته، در حاشیه متذکر شده است. منابع وی نیز نسخه‌های خطی متعدد دیوان، نسخه‌های حافظ چاپ آلمان و لندن و تهران و هند بوده است. (دهلی)

\* ۱۳۲۲: لکهنو، بی‌نام ناشر و بی‌صفحه شمار. (کت)

\* ۱۳۲۲/۱۹۰۴ م: مرادآباد، شرح دیوان حافظ به اردو موسوم به گلبن معرفت از محمد اسماعیل خان، با متن فارسی اشعار تارذیف لام، در دو حصه، حصه اول چاپ مطبع افضل المطابع در ۳۳۰ ص، حصه دوم چاپ جسیپر پریس نیز در ۳۲۰ ص. (رامپور)

\* ۱۳۲۳: بمبئی، سنگی، خشتی، چاپ سید محمد قدسی، ۴۹۹ ص. (مشار)

- در نیست که این چاپ همان چاپ ۱۳۲۲ باشد که قبلاً ذکرش رفت.

\* ۱۳۲۴: بمبئی، گزیده دیوان به نام کوه بینش، ۴۸ ص، وزیری، سنگی. (کت)

\* ۱۳۲۵: بمبئی، علی نقی شیرازی رئیس مطبعه مظفری، سنگی، رقی، خط علی

رضا ضیاءالادبای بن ابوالحسن شیرازی، ۴۰۹ ص، ۲۱ سم. (مشار، کت)

\* ۱۳۲۵: لکهنو، محمد سعید، متن فارسی با ترجمه اردو از ناشناس. (اختر)

\* ۱۳۲۶: بمبئی، چاپ عکسی از نسخه خط علی رضا ضیاءالادبای، بی‌نام ناشر،

۴۰۹ ص، رقی، سنگی. (کت)

\* ۱۳۲۶/۱۹۰۸ م: لکهنو، مطبع نولکشور، منتخبی از دیوان حافظ با شرح (منسوب

به) سید محمد صادق علی لکهنوی رضوی حنفی که ذکر او در بخش دوم بیاید،

چاپ پنجم به فرمایش منشی نولکشور، ۳۴۸ ص، ۱۶×۲۴ سم. (گنج چ)

\* ۱۳۲۹: بمبئی، مطبع کریمی، با عنوان لسان الغیب و با سرلوحها و تذهیبهای بسیار

عالی، ۲۹۵ ص، ۲۴ سم. (گنج)

\* ۱۳۲۹: بمبئی، مطبع محمد، ۲۷۳ ص. (کت)

\* ۱۳۲۹: لاهور، کتابخانه محمدی، متن چهل و دو غزل حافظ با ترجمه اردو و پنجابی

از غلام حیدر، کتاب به نام آئینه معرفت چاپ شده است. (اختر)

\* ۱۳۳۱/۱۹۱۳ م: لکهنو، مطبعه نولکشور، ۴۵۶ ص. (کت)

\* ۱۳۳۲/۱۹۱۴ م: لکهنو، نولکشور، ۴۵۶ ص، محشی. (گنج چ)

- شاید همان چاپ قبلی باشد.

\* ۱۳۳۳: لاهور، به فرمایش شیخ گلزار محمد احمد علی، گلزار هند ستیم پریس، متن

فارسی با ترجمه پنجابی در سه قسمت از سه مترجم (مولوی عبدالله عیدی، مولوی

تفضل حسین احمدآبادی، مولوی پارس علی لاهوری)، به ضمیمه فرهنگ بعضی

اصطلاحات حافظ (از عبدالعزیز محمد عبدالرشید لاهوری) با تضمین بعضی

غزلهای حافظ از شعرای شبه قاره، مجموعاً در ۸۸ ص.

- در صفحه عنوان، تاریخ ۱۳۴۱/۱۹۲۲ م. به چشم می‌خورد که احتمالاً تاریخ چاپ

دوم است. (گنج)

\* ۱۳۳۳/۱۹۱۵ م: دهلی، مطبع مجتبیانی، در ضمن بدرالشروح در شرح دیوان از

بدرالدین اکبرآبادی، به اهتمام محمد عبدالاحد، چاپ سنگی از روی نسخه خطی

مورخ ۱۲۵۴، ۷۵۴ ص. (گنج چ)

\* ۱۳۳۴: بمبئی، سنگی، رقی، ۳۱۶ ص. (مشار)

\* ۱۳۳۵/۱۹۱۷ م: بمبئی، چاپخانه انگلیسی هند، هفتاد و پنج غزل (به شماره ۱ تا ۷۵)

از ردیف دال با ترجمه انگلیسی و تصحیح از دو ایرانی - «ک. ب» و «د. ج»،

۴۲+۵۴+۱۷ ص. (هند)

\* ۱۳۳۵: لاهور، محبتی، حواشی از فیروزالدین معروف به صاحبزاده قادری رضا خیلی، کانتسی رام پریس، به فرمایش حاجی محمد افضل و ملا جان محمد، چاپ سوم، ۷۵۲ ص. (گنج)

\* ۱۳۳۸/۱۹۲۰ م: آگره، ابوالعلائی استیم پریس، متن ۱۵۰ غزل حافظ با ترجمه منظوم به زبان اردو و حل مشکلات و شرح معنی حقیقی و فالنامه و غیره، اثر عبدالله خان عسکری لودیونوی، به اهتمام حافظالدین فیاض، در سه حصه، حصه اول چاپ پنجم ۸۸ ص، حصه دوم چاپ سوم ۱۲۸ ص، حصه سوم چاپ اول ۱۳۱ ص، نسخه‌ای از حصه ۴ تا ۶ نیز موجود است. (راپور)

\* ۱۳۳۸: هند، با ترجمه اردو، نام مترجم و مصحح و شهر و ناشر مذکور نیست. (آصفیه)

\* ۱۳۳۹: بدایون، نظامی پریس، منتخب دیوان است و موسوم به عطر دیوان حافظ، انتخاب از محمد ابوالحسن صدیقی بدایونی که ذکر او در بخش دوم بیاید. (گنج چه، آصفیه)

\* ۱۳۳۹/۱۹۲۰ م: کانپور، مطبع نامی به سعی و اهتمام محمد رحمة الله رعد.

- این چاپ ظاهراً از روی چاپ ۱۳۲۰ که به وسیله همین ناشر انجام گرفته عکس برداری شده، و نسخه‌ای که در ۴۸۸ ص بدون ذکری از تاریخ چاپ و نام چاپخانه در لاهور انتشار یافته و در گنج بخش هست از روی همین چاپ افست شده و از سرورق آن برمی آید که در نوروز پرتنگ لاهور چاپ شده است. (گنج، گنج چه)

\* ۱۳۴۰: بمبئی، ۳۲۰ ص، مصور، رقی، سنگی. (کت)

\* ۱۳۴۰: حیدرآباد دکن (ظاهراً)، با تصحیح مولوی عبدالرحیم منتظم فینانس سرکار عالی، نظام حیدرآباد. (آصفیه)

\* ۱۳۴۱: متن دیوان با ترجمه پنجابی در سه قسمت - چاپ دوم همان کتابی که در ذیل سال ۱۳۳۳ شناساندیم. (کت)

\* ۱۳۴۳: لاهور، ملک غلام محمد و پسران، متن دیوان با ترجمه اردو و حواشی و نیز مقدمه‌ای درباره شعر فارسی و احوال حافظ و خصایص شعر او از محمد عنایت الله. (اختر)

\* ۱۳۴۴: بمبئی، سنگی، رقی، ۳۳۰ ص. (مشار)

\* ۱۳۴۵/۱۹۲۷ م: بمبئی، چاپخانه‌های مظفری و هور، از غزل ۳۶۹ تا ۴۴۳ (هفتاد و پنج غزل از ردیف میم) با ترجمه انگلیسی و مقدمه و یادداشتها و توضیحات از دو ایرانی - «خدا بخش. ب» و «د. ج» - ۳۴+۸۴+۴۵ ص. (هند)

\* ۱۳۷۷: بمبئی، علی بهائی شرف علی ایند کمپنی تاجران کتب، مطبع محمدی، ۲۷۳ ص. (گنج)

\* ۱۳۸۲/۱۹۶۱ م: دهلی، متن حافظ با ترجمه و حواشی به اردو از مولانا قاضی سجاد حسین - صدر مدرس سابق مدرسه عالی فتحپوری مسجد. این نسخه از متن و ترجمه، بارها - با تاریخ و بی تاریخ - به صورت عکسی در هند انتشار یافته و سومین چاپ آن در حوالی سال ۱۹۷۲ م به وسیله سب رنگ کتاب گهر دهلی انجام گرفته است. در این چاپ مقدمه‌ای از کوثر چاندپوری و یک فالنامه از مولانا محمد میان صاحب قمر دهلوی نیز به چشم می خورد. همچنین شنیده می شود که تمام چاپهای هند، به صورت افست در پاکستان تکثیر شده است. (کت، اختر، چاپ سوم دیوان)

\* ۱۳۸۸: لاهور، شیخ غلام علی و پسران، متن دیوان با ترجمه اردو از نستر جاندهری. (اختر)

\* ۱۳۹۱/۱۹۷۱ م: کراچی، سعید ایچ. ایم. کمپنی، ایجوکیشنل پریس، متن حافظ براساس نسخه قزوینی، با ترجمه اردو، حواشی، مقدمه، حل لغات، توضیح تراکیب و تشریحات و زندگینامه حافظ و نقد سخنان علامه شبلی نعمانی، از مولوی شمس الحسن شمس بریلوی، ماده تاریخ طبع از مترجم: «چه تصریح کامل غزلهای

عالی: ۱۹۷۱ م، ۴۷۸ ص. (گنج)

\* ۱۹۷۲/۱۳۹۲ م: راولپندی، خان دانش پریس، کتاب به نام جواهرالاسرار- اشعار منتخب دیوان حافظ، به اهتمام میرزا محمد اکبر ساکن راولپندی، ۱۱۲ + ۴ ص، ۱۶×۱۹/۴ سم. (گنج چ)

\* ۱۹۷۹/۱۳۹۹ م: اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، و لاهور، الکتاب، بختیار پرنترز لاهور، با ترجمه و شرح اردو از خواجه محمد عبادالله اختر و پیشگفتار فارسی از دکتر محمد ریاض خان، افست از روی چاپ بدون تاریخی که سالها قبل در لاهور به وسیله الهی بخش و محمد جلال الدین انجام گرفته بود، ۶۵۲ ص. (گنج)

\* ۱۴۰۵: اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، و لاهور، مؤسسه انتشارات اسلامی، با ترجمه و حواشی و شرح و مقدمه (به اردو) از قاضی سجاد حسین، افست از روی چاپ دهلی، با پیوستی در آغاز از راقم این سطور به عنوان «حافظ شناسی در شبه قاره»، ۵۵ + ۲۰ + ۴۸۸ ص.

\* ۱۴۰۹: دهلی، مرکز تحقیقات فارسی، به مناسبت سمینار بزرگداشت حافظ در هند، غزلهای حافظ براساس نسخه مورخه ۸۱۳ موجود در حیدرآباد دکن در موزه سالار جنگ در ضمن یک مجموعه، تنظیم و تصحیح و حواشی و مقدمه از پرفسور نذیر احمد استاد دانشگاه اسلامی علیگره، با عکس تمام صفحات نسخه، ۱۰۰ ص.

\* ۱۹۸۸/۱۴۰۹ م: دهلی، مرکز تحقیقات فارسی، دیوان حافظ برپایه نسخه مورخه ۸۱۸ موجود در یک مجموعه که در ملکیت شاهزاده دانیال پسر اکبر شاه بوده و فعلاً در کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن نگهداری می شود، تنظیم و تصحیح و مقدمه و حواشی از پرفسور نذیر احمد.

\*

ب - چاپهایی که فقط تاریخ میلادی آن دانسته شد:

\* ۱۷۹۱: کلکته، چاپخانه آپ جوهن، سنگی، رحلی، با مقدمه و شرح احوال و آثار حافظ، ۱۵۷ ورق. (مشار، هند)

\* ۱۸۲۱: بمبئی، سنگی، وزیری، ۶۴۸ ص. (مشار)

\* ۱۸۳۱: کانپور، انتشارات جرویس و دیگران، سنگی، وزیری، ۳۱۰ ص. (هند، مشار)

\* ۱۸۴۱: بمبئی. (حیات حافظ)

\* ۱۸۴۴: بمبئی، سنگی، رحلی، ۵۳۴+۳۲ ص. (مشار)

\* ۱۸۵۰: هند، سنگی، وزیری، ۲۲۸ ص. (مشار)

\* ۱۸۵۳: دهلی، مطبع اردو اخبار، ۲۳۸ ص. (کت)

\* ۱۸۵۸: کلکته. (حیات حافظ)

\* ۱۸۶۱: آگره. (حیات حافظ)

\* ۱۸۶۳: لاهور، سنگی، وزیری، خلاصه دیوان، ۹۶ ص. (مشار)

- گویا این همان چاپ است که نسخه ای از آن در گنج بخش موجود؛ و متن آن حسب الحکم کپتان فولر صاحب دائریکتر آف پبلک انسترکشن مدارس پنجاب، به وسیله مولوی کریم الدین سررشته دار محکمه دائریکتوری انتخاب شده، و با مقدمه ای در شرح حال حافظ، به خط سید احمد ایمن آبادی کاتب مطبع سرکاری، در مطبع سرکاری در ۹۶+۴ ص به چاپ رسیده است.

\* ۱۸۷۲: لکهنو، سنگی، وزیری، ۳۸۴ ص - در ضمن شرح دیوان. (مشار)

\* ۱۸۷۴: هند، متن حافظ با ترجمه اردو در مقابل هر صفحه، نام مترجم و ناشر و چاپخانه دانسته نشد، ۹۳۴ ص. (هند)

\* ۱۸۸۱: کلکته، مطبعه اردو گائید، سنگی، رحلی، به اهتمام مولوی کبیرالدین احمد،

۱۴+۲۳۲ ص. (گنج، مشار)

- \* ۱۸۸۳: بمبئی. (حیاتِ حافظ)
- \* ۱۸۸۷: بمبئی، چاپخانه انجمن تربیت، غزل چهار صد تا پانصد، با توضیحات و یادداشتها از پستانجی کوروجی تهاکر (هندو)، ۲+۱۱۴+۳۴ ص. (هند)
- \* ۱۸۸۸: لاهور. (حیاتِ حافظ)
- \* ۱۸۸۹: بمبئی، تفسیر و ترجمه پنجاه غزل حافظ (از غزل ۲۵۱ تا ۳۰۰) به انگلیسی از ایچ. تی. داداچانجی، ۴+۴+۳۶ ص. (هند)
- شاید متن اشعار را نداشته باشد.
- \* ۱۸۹۱: کلکتہ، متن دیوان با ترجمه و مقدمه انگلیسی از ایچ. دبلیو کلارک، دو مجلد، ج ۱: ۴۸+۴۹ ص، ج ۲: (۴)+۴۹۵-۱۰۱۱ ص. (هند)
- \* ۱۸۹۱: لاهور، خلاصه دیوان، ۸۸ ص، خشتی، سنگی. (کت)
- \* ۱۸۹۱: لکهنو، نولکشور، سنگی، وزیر، با فرهنگ لغات و تعبیرات و نیز حواشی در کنار صفحات از محمد اشرف علی، ۳۲+۳۷۶ ص. (هند)
- \* ۱۸۹۳: لکهنو، مطبع نولکشور، منتخب غزلیات و شرح و نیز ترجمه آنها به اردو از محمد یوسف علی شاه چشتی، ۵+۱۴۵ ص. (هند)
- \* ۱۸۹۵: بمبئی، نام چاپخانه یاد نشده، ترجمه غزل ۱۵۱-۲۰۰ با مقدمه و شرح حال و آثار حافظ به انگلیسی از کریشنا لال (لعل) جهاوری (جواهری)، ۵۰ ص. (هند)
- شاید متن غزلها را نداشته باشد.
- \* ۱۸۹۵: لاهور، چاپخانه خادم التعلیم، منتخب غزلیات حافظ و در فواصل ابیات ترجمه آنها به زبان هندی از غلام حیدر، کتاب به نام تحفه بی نظیر، ۶۵ ص. (هند)

- \* ۱۸۹۶: کامپ پونه، پنجاه غزل (به شماره ۲۰۱ تا ۲۵۰) از حافظ با ترجمه انگلیسی و حواشی از مولوی سید سراج الدین، ۱+۶۸ ص. (هند)
- شاید متن اشعار را نداشته باشد.
- \* ۱۸۹۶: گوجرانوالا، میکی پریس، منتخب غزلیات حافظ با ترجمه اردو به نظم از غلام حیدر، به نام تحفه دلکش، چاپ اول. (وحید)
- \* ۱۹۰۰: لکهنو، سنگی، وزیر، ۶۲ ص. (مشار)
- \* ۱۹۰۰: لکهنو، مطبع نولکشور، چاپ ششم. (عابدی)
- همان چاپ قبلی نیست؟
- \* ۱۹۰۱: لکهنو، مطبع منشی نولکشور، به خط محمد شمس الدین اعجاز رقم، تکثیر از رزی چاپ ۱۳۰۱ که به وسیله همین ناشر انجام گرفته، ۴۵۴ ص. (گنج، کت)
- \* ۱۹۰۳: لکهنو، ۳۰۴ ص. (کت)
- \* ۱۹۰۴: دهلی، سنگی، وزیر، ۶۱۲ ص. (مشار)
- گویا همان چاپ است که نسخه‌ای از آن با خصوصیات زیر در گنج بخش هست:
- دهلی، مطبع نظامی، ۱۳۲۲ ۵/۱۹۰۴ م، محسن به حواشی ملا محمد خطاب معروف به ملا گاره که تیار شده بود به ایمای میر محمد کتب فروش پشاور، ۵۵۸ ص، تاردیف واو، ناقص الآخر.
- \* ۱۹۰۴: لکهنو، سنگی، رقمی، ۴۰۴ ص، با اصطلاحات صوفیه. (مشار)
- \* ۱۹۰۶: لکهنو، مطبع منشی نولکشور، چاپ نهم، کاتب محمد شمس الدین المخاطب به اعجاز رقم، ۳۵۶ ص، محسنی. (دامپور)
- \* ۱۹۰۶: مرادآباد، جسپر پریس، به خط واجد علی مرادآبادی، شرح دیوان حافظ به اردو موسوم به گبن معرفت از محمد اسماعیل خان، با متن اشعار، حصه سوم و آخر، ۳۴۴ ص. (دامپور)

- \* ۱۹۰۷: دهلی، چاپخانه فاروقی، دیوان حافظ با ترجمه اردو در میان سطرها از میرزا جان، ۶۱۲ ص. (هند)
- \* ۱۹۰۷: دهلی، سنگی، وزیری، ۷۵۴ ص. (مشار)
- \* ۱۹۱۱: لاهور، نولکشور پریس، منتخب غزلیات حافظ با ترجمه اردو و پنجابی به نثر از غلام حیدر، ۸۴ ص. (هند)
- این منتخب و ترجمه که آئینه معرفت نام دارد، در سال ۱۳۲۹ هـ در لاهور به وسیله کتابخانه محمدی چاپ شده است (اختر) و احتمال هم هست که در یکی از دو مأخذ نامبرده، در ذکر ناشر اشتباهی روی داده و یک چاپ بیشتر نباشد.
- \* ۱۹۱۲: لکهنو، مطبع نولکشور، به حکم رای بهادر منشی پراگ نراین، چاپ دوازدهم، ۴۵۶ ص، محشی. (گنج)
- ظاهراً یازده چاپ قبلی هم تماماً به وسیله همین ناشر انجام گرفته و این چاپ نیز از روی چاپ ۱۳۰۱ همین ناشر عکس برداری شده است. (ص ۴۵۴ و ۴۵۶)
- \* ۱۹۱۳: میرت، به نام اشعار منتخبه از غزلهای حافظ درباره تعریف و قدرت و ظهور نور معبود و نیز استدعا درشن پریشور معه اشعار شکایت و صبر و شکر، با ترجمه اردو در ذیل هر بیت از قلم بریده زبان ویبی پرشاد سابق گماشته کمستریت و وکیل حال فقر (فقیر؟) حقیر بیی - قوم دیش ساکن قصبه گاره کمیسر تحصیل هاپور ضلع میرت، حسب فرمایش پندت رامجی لعل وکیل میرت.
- این مصرع «از آستان پیر مغان سر چرا کشم» به صورت زیر ضبط شده:
- از آستان پیرم گورو سر چرا کشم
- «گورو» در زبان هندی به معنی معلم و لقب پیامبر و رهبران مذهبی سیکها. (دهلی)
- \* ۱۹۱۴: احمدآباد، چاپخانه سربی انگلو و رنکیولر، منتخب ۷۵ غزل حافظ از ردیف میم، با شرح و ترجمه و مقدمه به انگلیسی از چوتوبای آدو والا، محمد حسیب الله قریشی، ۴۰+۱۱۸+۷ ص. (هند)

- \* ۱۹۱۶-۸: لاهور، چاپخانه اسلامیة استیم پریس، متن دیوان با ترجمه و تفسیر آن به اردو از میر ولی الله (به نام لسان الغیب)، قسم دوم: ۳۹۹ ص، سوم: ۳۹۹ ص، چهارم ۴۲۸+۱۶ ص. (هند)
- \* ۱۹۱۶: لکهنو، مطبع منشی نولکشور، به خط نستعلیق خوش منشی محمد شمس‌الدین اعجاز رقم، چاپ نولکشور. (مشار)
- \* ۱۹۱۷: لکهنو، مطبع منشی نولکشور، به خط نستعلیق خوش منشی محمد شمس‌الدین صاحب المخاطب به اعجاز رقم، سنگی، وزیری، چاپ سیزدهم، ۴۵۶ ص، حسب ایماه جناب منشی بشن نرائن صاحب بهارگو و به اهتمام بابو موهن لال بهارگو منیجر بکدپو، با دو تقریظ فارسی یکی به نظم از مولوی عبدالعلی مدراسی و با این ماده تاریخ برای چاپ دیوان: «کلام معجزنمای حافظ» و دیگری منشور از مولانا محمد هادی علی اشک (ذکر هر دو تقریظ نگار در بخش دوم خواهد آمد)، با حواشی بسیار در توضیح اشعار و شرح لغات و اصطلاحات از: موجد، محمد عبدالعلی مدراسی، مولوی محمد فتح علی، حسیب‌الدین، شرح دهلی (کذا). (دهلی)
- با توجه به چاپهای مذکور در بندهای گذشته، این چاپ باید چهاردهمین چاپ حافظ در مطبع نولکشور باشد (حداً اقل) و نه سیزدهم، مگر این که در سال ۱۹۱۶ م چاپ نشده باشد.
- \* ۱۹۱۹: بمبئی، چاپخانه انگلیسی هند، هفتاد و پنج غزل (به شماره ۱ تا ۷۵) از ردیف «ی» با ترجمه و حواشی به انگلیسی از دو ایرانی: «ک.ب.» و «د.ج.»، ۱۲+۳۴+۲۹ ص.
- \* ۱۹۲۱: امرتسر، چاپخانه الکترونیک روز بازار، منتخب دیوان حافظ با ترجمه اردو از غلام محمد متخلص به «عبد»، به ضمیمه فریاد عبد یا گلدسته عشاق اثر مترجم، مجموعاً در ۸۸ ص. (هند)

- \* ۱۹۲۱: بدایون، نظامی پریس، کتابی موسوم به عطر دیوان حافظ مشتمل بر منتخبی از غزلیات خواجه با مقدمه‌ای از مهتم طبع و تمهید دربارهٔ حافظ و شعر او اثر مولوی ابوالحسن صدیقی بدایونی، ۱۴۰ ص، جیبی. (آصفیه، گنج چ)
- \* ۱۹۲۱: لاهور، نام چاپخانه یاد نشده، انتخاب غزلیات حافظ و ترجمهٔ آنها به انگلیسی از: ر. اوبارد، ترجمهٔ عنوان کتاب: یادگارهای (یادهای) حافظ، ۶۳ ص. (هند)
- \* ۱۹۲۱: لاهور، خادم‌التعلیم، استیم پریس، منتخب غزلیات حافظ و در فواصل ابیات ترجمهٔ هندی از غلام حیدر (کتاب به نام تحفه بی نظیر)، در ۶۲ ص.  
- ظاهراً مقصود از ترجمهٔ هندی، ترجمهٔ پنجابی و این کتاب و این چاپ، همان است که بعداً ذکر آن بیاید.
- \* ۱۹۲۱: لاهور، خادم‌التعلیم، به اهتمام میر عبدالمجید، خلاصهٔ دیوان حافظ یا ترجمهٔ پنجاه و شش غزل - به نظم پنجابی و به نام تحفه بی نظیر - از غلام حیدر، چاپ هشتم. (وحید)
- \* ۱۹۲۲: لاهور، منتخب غزلیات حافظ با ترجمهٔ انگلیسی از: ر. اوبارد، چاپ دوم، ۸۷ ص. (هند)  
- چاپ اول آن که در سال ۱۹۲۱ م انجام گرفته قبلاً معرفی شد.
- \* ۱۹۲۳-۵: لاهور، چاپخانه‌های مشهور عالم و منصور، دیوان حافظ با یک مقدمه و در میان سطرها ترجمهٔ اشعار به نظم پنجابی از مولوی محمد شاه‌الدین سروری، در دو قسمت: ۱۲۷+۷۶ ص. (هند)
- \* ۱۹۲۴: لاهور، چاپخانهٔ روتاری ورکس، متن دیوان و در میانهٔ ابیات ترجمهٔ اردو از خواجه محمد عبادالله امرتسری با مقدمه و یادداشتهای وی و شرح حال و نیز فالنامهٔ حافظ، ۱۴۴+۳+۸۴۶ ص. (هند)

- \* ۱۹۲۵: بمبئی، چاپخانهٔ انگلیسی هند، هفتاد و پنج غزل (به شمارهٔ ۱ تا ۷۵) با ترجمهٔ انگلیسی و تصحیح دو ایرانی: «ک.ب.» و «د.ج.»، چاپ دوم، با تجدید نظر کامل و تصحیح دقیق، ۱۷+۴۸+۳۰ ص. (هند)
- \* ۱۹۲۵: سورت، چاپخانهٔ پرتنگ سیتی سورت، هفتاد و پنج غزل حافظ (۱-۷۵ منتخب) با مقدمه و شرح احوال و زندگی حافظ و ترجمه و حواشی و شرح لغات به انگلیسی از پرفسور م.ج. تاکور، ۸۸ ص. (هند)
- \* ۱۹۳۰: آگره، چاپ مطبع آگره اخبار آگره، در ضمن ترجمه و شرح مفصل اشعار حافظ به اردو از مولوی محمد عبداللطیف خان صاحب ملاً گوجروی ثم اکبرآبادی که ذکر وی در بخش دوم بیاید، به خط محمد حفیظ‌الدین الوری، ۲۲۴ ص، تا اواسط قافیهٔ تاه. (دهلی)
- \* ۱۹۳۱: بمبئی، چاپخانهٔ هور، هفتاد و پنج غزل از ردیف «د» (به شمارهٔ ۱۱۸ تا ۱۹۲) با تصحیح و ترجمهٔ انگلیسی از دو ایرانی: «ک.ب.» و «د.ج.»، چاپ دوم، با تجدید نظر کامل و تصحیح دقیق، ۱۴+۱۴+۸۳ ص. (هند)
- \* ۱۹۳۲: لاهور، عالمگیر الکتربک، پریس، دیوان حافظ با ترجمه و شرح اردو از میر ولی‌الله به نام لسان‌الغیب، چاپ دوم، قسمت چهارم، ۴۲۸ ص، به خط محمد شریف کاتب ایمن‌آبادی، ۱۷×۲۴/۵ سم. (هند، گنج چ)
- \* ۱۹۴۷: لاهور، متن دیوان در ضمن اثر عبدالله خان سکری (حافظ شیرازی مع حقیقی معنی - اردو) به چاپ رسیده است. (ک)
- \* ۱۹۴۸: لاهور، شیخ مبارک علی. (کت)
- \* ۱۹۴۹: لاهور، شیخ مبارک علی تاجر کتب، غزلیات حافظ - ۸۹ غزل از ردیف میم - با ترجمهٔ اردو از آغا محمد باقر، ۱۹۰ ص. (گنج)
- \* ۱۹۵۱: لاهور، بدون نام ناشر. (کت)

- \* ۱۹۵۳: لاهور، شیخ مبارک علی. (کت)
- \* ۱۹۵۷: لاهور، پیشاور، به فرمایش حاجی فقیر محمد ایند سنز تاجران کتب، به خط محمد اسد، ۲۸۸ ص. (گنج)
- \* ۱۹۶۱: لاهور، ملک چنن الدین خلف الرشید ملک فضل الدین، تعلیمی پریس، به خط حکیم محمد امین قریشی، متن دیوان با ترجمه منظوم به زبان پنجابی از محمد شاه الدین قادری سروری در دو حصه، چاپ سوم، ۱۱۰+۱۲۷ ص. (گنج)
- چاپ دوم گویا در ۱۳۷۴/۱۹۵۶ م انجام شده (ص ۱۲۷ از نسخه گنج) و چاپ اول نیز در لاهور از سوی الله والی کی قومی دکان منتشر شده و تاریخ آن دانسته نشد. (اختر)
- \* ۱۹۶۳: لاهور، شیخ غلام علی. (کت)
- \* ۱۹۶۶: لاهور، انتشارات پنجابی ادبی آکادمی، چاپخانه پنجابی ادبی آکادمی، غزلیات حافظ مع پنجابی منظوم ترجمه از مولانا محمد عبدالله خان عبدی، ترتیب و تدوین پرفسور محمد باقر، مقدمه از دکتر وحید قریشی، چاپ اول، ۳۱+۷۵ ص. (وحید)
- \* ۱۹۶۸: لاهور، شیخ غلام علی ایند سنز، علمی پرتنگ پریس، متن دیوان با ترجمه اردو و حواشی و توضیحات از ابونعیم عبدالحکیم خان نشتر جالندهری و صادق علی دلاوری، ۲۷۰ ص. (گنج)
- در آخر کتاب اسامی تعدادی کتاب (ظاهراً از انتشارات همین ناشر) به چشم می خورد و یکی از آنها: دیوان حافظ  $\frac{۳۰ \times ۲۰}{۱۶}$  اعلی کتابت و طباعت حسین و خوبصورت گردپوش، ۴۱۰ ص.
- \* ۱۹۷۱: لاهور، شیخ غلام علی ایند سنز، علمی پرتنگ پریس، متن دیوان با ترجمه اردو و حواشی و توضیحات از نشتر جالندهری، ۴۷۰ ص. (گنج)

- \* ۱۹۷۱: لاهور، غلام علی پیلشرز، کراچی نیشنل پبلشنگ هاؤس لمیتد، افست از روی نسخه ای به خط محمود بن حسن نیشابوری مورخ ۸۹۴ ه و محفوظ در کتابخانه دانشگاه پنجاب - مجموعه شیرانی، با مقدمه انگلیسی از ممتاز حسن، ۱۱+۳۵۶+۹ ص. (گنج)
- \* ۱۹۷۲: دهلی، سب رنگ کتاب گهر، با ترجمه قاضی سجاد حسین به اردو و مقدمه کوثر چاندپوری و یک فالنامه از مولانا محمد میان صاحب قمر دهلوی - مسجد فتحپوری دهلی. (دهلی)
- \* ۱۹۷۳: با ترجمه اردو از سجاد حسین. (کت)
- \* ۱۹۷۵: دهلی، جمال پرتنگ پریس، ناشر انجمن فارسی، انتخاب غزلیات حافظ مع فرهنگ، دکتر مغیث الدین فریدی، مشتمل بر ۴۰ غزل حافظ با فرهنگ لغات به اردو. (ف-ق)
- \* ۱۹۷۷: دهلی، آلنید پبلیشرز پرائیوت لمیتد، با کمک بنیاد فرهنگ ایران، متن ۱۵۲ غزل از حافظ براساس نسخه مورخه ۴-۸۱۳ موجود در مجموعه ای که به شماره ۲۷/۲۶۱ در موزه بریتانیایی لندن نگهداری می شود و اصلاً برای جلال الدین اسکندر بن عمر شیخ نواده تیمور کتابت شده است، با تصحیح و مقدمه و یادداشتهای دکتر پرویز خانلری، ۲۵۲ ص. (دهلی)
- \* ۱۹۹۱: دهلی، خانه فرهنگ ایران، غزلهای حافظ براساس مجموعه لطایف و سفینه ظرایف از سیف جام هروی - همعصر حافظ - تنظیم از پرفسور نذیر احمد، با مقدمه ای در ۵۵ ص، ۲۰۰ ص. (دهلی)
- \* ۱۹۹۲: پتنه، کتابخانه خدابخش، چاپ در دهلی، لبرتی آرت پریس، عکس یک نسخه خطی دیوان حافظ متعلق به شاهان مغول هند که اصل آن در کتابخانه خدابخش نگهداری می شود. این نسخه به خط نستعلیق زیباست و بر صفحه ای از آن، این یادداشت دیده می شود: "سلطان حسین میرزا بای قرا ۶ شعبان سنه ۱۸



تحويل سهيل شد" که اگر این یادداشت مربوط به دوره باقراي مشهور باشد که از سال ۸۷۳ تا ۹۱۲ هـ حکومت کرده، این نسخه را باید از قدیم‌ترین نسخ حافظ شمرد. این نسخه به صورت عکسی و همراه با یک مقدمه انگلیسی و در ضمن آن بحثی دربارهٔ تفأل به دیوان حافظ و فالهایی که با آن گرفته‌اند و دو یادداشت کوتاه یکی به فارسی و دیگری به اردو، در ۴۰۳ + ۳۵ صفحه به چاپ رسیده است. عکس صفحاتی از آن که مشتمل بر یادداشتهایی از شاهان مغول است، یک بار نیز به صورت یکجا در آغاز کتاب آمده است. استاد سید امیر حسن عابدی در مقاله مفصلی در تندپارسی، این نسخه را معرفی کرده و به مقابله آن با نسخه‌های دیگر پرداخته، و دربارهٔ اشعاری که افزون بر نسخه‌های دیگر دارد، و سروده‌های مشکوک و آنچه از شاعران دیگر در آن آمده، گفتگو کرده است. (دهلی)

\*

ج - چاپهایی که تاریخ آن دانسته نشد:

\* اله آباد: انوار احمدی پریس، برگزیدهٔ غزلیات و نقد اشعار حافظ موسوم به لسان الغیب یعنی حافظ کے حالات زندگی اور ان کے کلام پر نقد و تبصرہ اور انتخاب غزلیات، مرتبه حافظ جلال‌الدین احمد جعفری، با فرهنگ مصطلحات غزلیات حافظ، ۱۰۱+۳۸ ص. (گنج)

\* اله آباد: رام نرائن لال ارن کمار، پبلشر ایندیا سکس، حبیب المطابع پریس نیو اترسوئییا، انتخاب اشعار حافظ، با مقدمهٔ مفصلی به فارسی در ۸۵ ص در شرح احوال خواجه و تحلیل اشعار او و مقایسهٔ آن با اشعار سلمان ساوجی و خواجه سعدی، ۱۴۰ ص، قطع جیبی.

- این مؤسسهٔ مطبوعاتی هنوز در اله آباد دایر است و از فهرست انتشارات آن در پشت جلد «اشعار حافظ» بر می‌آید که آثار دیگری مانند اشعار خیام، گلدستهٔ فارسی،

سیاست‌نامه، انوار سهیلی، منتخب بوستان سعدی، انشای فارسی، کریماء، ایرانی زبان کا قاعده و چهار مقاله را نیز منتشر کرده است؛ و مجموعهٔ اشعار حافظ را نیز حد اکثر در ظرف بیست سال اخیر چاپ کرده است. (دهلی)

\* بمبئی: مطبع فضل‌الدین کهمکر، به خط محمد صادق شیرازی، ۲۳ + ۳۹۶ ص. (راپور)

\* حیدرآباد دکن: دارالطبع جامعهٔ عثمانیهٔ سرکار عالی، دیوان حافظ و ملحقات، مرتبه و متمم ابوالفتح عبدالرحیم، ۲۱ + ۴۳۲ + ۱۰ ص، ۱۶×۲۴ سم، سنگی. (گنج چ، کت - دومی، اشتباهاً کتاب را چاپ ترکیه عثمانی دانسته است).

\* حیدرآباد سند: با ترجمهٔ اردو، آزاد بکدپو. (کت)

\* حیدرآباد سند: با ترجمهٔ سند، آزاد بکدپو. (کت)

\* دهلی: (۹) مطبع رضوی، ۳۲۲ ص. (گنج چ)

\* سیالکوت: قرن ۱۹ م؟ منتخب غزلیات حافظ، انتخاب کننده (و ناشر؟) چشمهٔ فیض، ۶۴+۲ ص. (هند)

\* کانپور: مطبع قیومی، حسب فرمایش حاجی محمد عبدالقیوم صاحب تاجر کتب کلکتہ ولسلی اسکوانر نمبر ۱۶، به اهتمام محمد قمرالدین بن جناب حاجی شیخ محمد یعقوب صاحب مرحوم - مالک مطبع احمدی، با یادداشتی از سید جعفر علی نگینوی (کاتب؟) در پایان، سنگی، به خط نستعلیق، ۴۵۲ ص، با حواشی بسیار در توضیح اشعار و لغات از مولانا حافظ محمد برکت‌الله انصاری لکهنوی فرنگی محلی، مولوی محمد فتح علی، حبیب‌الدین، محمد فضلی، و از کتابی موسوم به شرح دهلی. (دهلی)

\* کانپور: مطبع مجیدی، متن دیوان با ترجمهٔ اردو از میرزا جان دهلوی، حسب فرمایش حاجی محمد سعید صاحب مالک مطبع رزاقی و مجیدی کانپور و تاجر کتب کلکتہ،

- \* به اهتمام محمد عبدالمجید، ترجمه در زیر ابیات متن، با توضیحاتی در حواشی، ۶۱۴ ص، چاپ سنگی. (دهلی)
- \* کانپور: پس از ۱۹۴۷ م، مطبع مجیدی، متن دیوان با ترجمه میرزا جان دهلوی، ۵۷۱ ص، ظاهراً از روی چاپ مطبع رزاقی چاپ شده است. (راپور)
- \* کراچی بورڈ: ایجوکیشنل پبلشنگ کمپنی، نفحات حافظ یعنی انتخاب پنجاه غزل از دیوان حافظ، دکتر عمر بن محمد داود پوته، این انتخاب به عنوان کتاب درسی انجام گرفته و همراه با مقدمه مفصلی است درباره حافظ و شعر او به زبان انگلیسی. (ف - ق)
- \* لاهور: الہی بخش و محمد جلال الدین اسلامیہ استیم پریس، با ترجمه اردو از عبادالله اختر، به خط محمد علی ایمن آبادی، ۶۵۲+۵۶ ص. (گنج)
- \* لاهور: حامد ایند کمپنی، متن با ترجمه و شرح اردو از قاضی سجاد حسین، ۴۸۸ ص، افست از روی چاپ ہند. (گنج)
- \* لاهور: با ترجمه و شرح اردو از ملک سراج الدین. (کت)
- \* لاهور: ۳۸۸ ص. (کت)
- \* لاهور: شیخ مبارک علی، عالمگیر پریس، لسان الغیب از میر ولی اللہ - اردو شرح مع مفصل سوانح عمری، ج ۳، ۳۹۹ ص. (گنج)
- \* لاهور: شیخ مبارک علی تاجر کتب، بی نام چاپخانه، چاپ افست از روی چاپ کانپور مطبع نامی مطبوعہ ۱۳۳۹ھ / ۱۹۲۰ م، ۴۸۸ ص. (گنج)
- \* لاهور: مطبع اسلامی، با مقدمه و بعضی غزلیا کہ در اکثر نسخ نبود و در بعضی بود، ۳۲۴ ص. (گنج)
- \* لاهور: ملک نذیر احمد، تاج بکدپو، منصور پریس، ردیف «د» از دیوان حافظ با ترجمه و شرح به اردو از سید اصغر علی شاہ جعفری، ۳۵۲ ص، ۱۲×۱۸ سم. (گنج چ)

- \* لاهور: ملک نذیر احمد، تعلیمی پرنٹنگ پریس، باده حافظ یعنی دیوان حافظ ردیف میم مع شرح مشموله امتحان منشی فاضل به اردو، از آقا بیدار بخت، ۱۳۸ ص. (گنج)
- \* لاهور: استقلال پریس، ملک سراج الدین، ۲۸۸ ص، ۱۲×۲۰ سم. (گنج چ)
- \* لاهور: فیروز پرنٹنگ پریس، به فرمایش ملک دین محمد تاجر کتب، ۲۸۸ ص. (گنج)
- \* لاهور: چاپخانه دین محمدی، به فرمایش ملک دین محمد، ۲۸۸ ص. (گنج)
- \* لاهور: دهه سوم قرن بیستم، بدون نامی از چاپخانه و بدون صفحه عنوان، منتخب غزلیات با ترجمه اشعار در میان سطور به زبان پنجابی از محمد باقر، ۷۲+۸ ص. (گنج)
- \* لدھیانہ: متن دیوان در ضمن مشرّح و منظوم ترجمه دیوان حافظ از عبدالله خان عسکری. (اختر)
- احتمالاً همان چاپ ۱۹۴۷ م است.
- \* لکھنؤ: پیش از ۱۹۴۷ م، مطبع مجتبائی - سرورق - و مطبع رزاقی کانپور - متن - غزلیات و قصاید و رباعیات خواجہ، با ترجمه اردو و تحشیه از میرزا جان دهلوی، ۶۲۰ ص. (راپور)
- \* لکھنؤ: پیش از ۱۹۴۷ م، مطبع منشی نولکشور. (راپور)
- \* لکھنؤ: منشی نولکشور، در پیوستهای شرح دیوان حافظ منسوب به صادق علی لکھنوی کہ در سال ۱۳۱۸ھ به اهتمام همین ناشر چاپ شده و قبلاً از آن یاد کردیم، نسخه ای چاپی از دیوان حافظ از انتشارات نولکشور معرفی شده و با این ویژگیها: متوسط، محرّره منشی جوالات پرشاد خوشنویس، دو قسم کاغذ: ۱- کاغذ سفید گنده (گاهی) ۲- سفید و حنایی رسمی.
- \* ہند: تاریخ چاپ مغشوش (قرن ۱۹ م؟)، متن دیوان، سنگی، انجام افتاده، ۲۵۲ ص. (ہند)
- \* ہند، طبع کشوری (مطبع نولکشور؟)، محشّی. (مشار)

\* هند، چاپ نامی، سنگی، با اصطلاحات الصوفیه. (کت)

- همان چاپ ۱۳۲۳ است؟

\* هند، مصوّر، سنگی.

- نسخه‌ای از این چاپ که انجامش (از اواخر حرف یا) افتاده و فعلاً ۳۰۴ ص دارد،

به شماره ۸۹۰/۷۲۹۲ در گنج بخش موجود است و بعید نیست چاپ ۱۸۳۱ م

(کانپور) یا ۱۲۴۱ (کلکته) یا ۱۳۳۴ (بمبئی) باشد.

\* هند، سنگی، کهن.

- نسخه‌ای از این چاپ که آغاز و یکی دو صفحه از انجامش (پس از اصل دیوان)

افتاده. در گنج بخش به شماره ۸۹۰/۱۱۶۷۴ موجود و بعید نیست چاپ ۱۸۲۱ م

(بمبئی) یا ۱۲۴۴ هـ (بمبئی) باشد.



بخش دوم در شماره آینده.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی